نسیم خرد
دوفصلنامه علمی پژوهشی فلسفه اسلامی
سال دوازدهم / شماره اول / پیاپی ۲۲ / بهار ـ تابستان ۱۴۰۵

سرمقاله

علامه طباطبایی می‌گوید: برای افراد انسان به تنهایی، تحصیل همهٔ کمالات ملائم با ذاتش ممکن نیست؛ زیرا در جمیع جهات ذاتش، محتاج به تکامل و احتیاجات زندگی‌اش نیز بسیار گوناگون است؛ در عین حال، در مقابل تحصیل بسیاری از کمالات، موانع متعددی وجود دارد؛ لذا مجموع این جهات، انسان را مجبور به اجتماع، تعاون و تمدن (شهرنشینی) ساخته است. اولین نیاز بشر در این مرحله، اعتبار زبان برای تسهیل تفاهم اجتماعی است.

سپس اشتراک مساعی در امور زندگی و اختصاص هر فردی به آنچه که تولید می‌کند، موجب اعتبار ملکیت در قلمرو محصولات هر شخص می‌گردد؛ لذا اصل این اعتبار اختصاص است. همین‌طور اعتبار زوجیت و احتیاج همهٔ افراد اجتماع به آنچه که در تملک دیگری است، موجب اعتبار تبدیل در ملک و معاملات گوناگون از خرید و فروش و اجاره و غیر آن گشته است. همین‌طور حفظ نسبت بین اشیای قابل برای تبدیل، از حیث قلت و کثرت، موجب اعتبار واحدهای پولی از دینار و غیره شده است.

در طی این تبدیل و تبدلات، رفتار انسان‌ها مختلف است؛ گاهی وقایع جزئیه به نحو صحیح و عادلانه واقع می‌شود و گاه در آن ظلم و تعدی صورت می‌گیرد و از آنجا که افراد به لحاظ جهات اخلاقی متفاوت‌اند و طبایع را نیز بر تعدی و مزاحمت به دیگران و اختصاص منافع به خود سرشته‌اند، احتیاج به قوانینی که اعتدال در اجتماع را حفظ نماید نمایان‌گر می‌شود.

بالتبع افرادی نیز برای حفظ این قوانین و پشتوانهٔ آنها لازم است و از اینجا اعتبارات دیگری منشعب می‌شود؛ مثل اعتبار ریاست، قانون و غیر ذلک. بر این اعتبارات، اعتبارات دیگری متفرع می‌گردد و این اعتبارات دائماً به لحاظ کثرت احتیاجات، دامنهٔ وسیع‌تری می‌یابد تا اینکه در جمیع شئون کلی و جزئی

مربوط به انسان اجتماعی سرایت می‌نماید و لذا جمیع این امور به رنگ اعتباریات، رنگ‌آمیزی می‌گردد (طباطبایی، انسان از آغاز تا انجام، ۵۵).

براین‌پایه زندگی دنیا، همه‌اش اعتبارهایی است که بشر، برای گذران نشئهٔ مادی، ناگزیر از آنهاست. این اعتبارات، زمانی حجاب‌های حقیقت می‌شوند که وهم، به‌غلط، به آن‌ها حقیقت می‌بخشد، سپس همهٔ عمر، در پی دست‌یابی به همه یا برخی از آن‌ها می‌گذرد؛ آن‌گاه، مرگ، رشتهٔ این همه اعتبار را می‌گسلد و آدمی با حقیقت نحیف و برهنهٔ خویش روبرو می‌شود. حقیقتی که لباس‌های اعتبار را به‌دور افکنده و لباس حقیقی برای پوشیدن ندارد.

بلی، مرگ تلخ است برای آنکه اعتبارات دنیا را واقعیت پنداشته و هستی خویش را به آن گره زده و شیرین است برای کسی‌که دنیا را اعتبار می‌شمارد و حقیقت را در جایی فراتر از آن جستجو می‌کند.

روح‌الله سوری